

شرکت کار و سرمایه در طریق تولید بیشتر

فلسفه و حدود مزارعه، مضاربه، مساقات

در فقه اسلامی سه باب تحت عنوان «عی مضاربه» و «مزارعه» و «مساقات» داریم که از سرمایه گذاری در امور تولیدی و کشاورزی و همچنین امور تجاری سخن میگوید و از مسلمات فقه اسلامی است. «مزارعه» چنانچه اجمالاً از نامش پیداست قرارداد است میان دو نفر یا دو گروه که از یکسو کار و فعالیت و تلاش و از سوی دیگر زمین و وسایل و ابزار و مانند آن داده میشود، و محصول طبق قرارداد عادلانه‌ای میان این دو تقسیم میگردد. این عنوان سوالات زیادی را پیرامون خود را انگیزه از جمله میبرند:

فلسفه این کار چیست؟

رویه مرتبه این گونه فعالیتهای مشترک دارای آثار سازنده زیر است:

- ۱- کشاورز از صورت یک کارگر ساده و مزد بگیر بیرون می آید و در سود سرمایه زین شرکت میکند، و اگر به این واقعیت توجه کنیم که حکومت اسلامی میتواند به نحوه رابطه کار و سرمایه و چگونگی تقسیم درآمد حاصله نظارت داشته باشد روشن میشود که دست حکومت در تقویت کشاورزی

تا آن حد که سرمایه گذاری بهبود یافته انگیزه نشود با زاست. و نیز روشن میشود که چگونه چنین معامله‌ای باعث استشار کشاورز و با وجود آمدن نفوذ الیزم نخواهد بود.

۲- بسیاری از کشاورزان در زمین بالا قدره انجام برنامه‌های کشاورزی نیستند، تنها توانسته‌اند در طول زندگی خود زمینی را احیاء یا خریداری کنند.

همچنین کشاورزانی هستند که از دنیا میروند و همسر و بچه‌های کوچک از خود به یادگاری گذارند که قادر به زراعت زمینی که پدر روی آن کار میکرده نمی‌باشند. چنین موردی به صاحبان این زمین اجازه داده شده است که آن را بصورت مزارعه در اختیار دیگری بگذارند و سهمی از درآمد آن را مالک شوند و از زحمات یکمهر پدر نتیجه بگیرند.

۳- بسیاری میشود افرادی که دارای فعالیت‌های دیگر اقتصادی هستند و یا همچون استادان و معلمان و قضات و کارمندان و مانند آنها خدمات مثبتی در جامعه انجام

میدهند و می‌توانند با صرفه جویی در مصرف قسمتی از درآمد خود را پس انداز کرده و در یک واحد کشاورزی سرمایه گذاری کنند و سهم عادلانه‌ای از درآمد آن را دریافت دارند و با نظارت حکومت اسلامی حق بیشتر برای کشاورز و حداقل لازم برای صاحبان وسایل فراهم شده، مجاز بودن این نوع سرمایه گذاری هم عامل مهمی است برای توسعه کشاورزی و هم تقلیل مصرف.

تأکید می‌کنم «والتی امره» (حکومت اسلامی) باید آنگاه نظارت بر این کار کند که به استثمار کشاورزان نیانجامد.

مخصوصاً با توجه به این که روز بروز نقش سرمایه و ابزار در «کشاورزی ماشینی» بیشتر میشود و نقش افراد کمتر تا آنجا که یک کشاورز مثلاً بایک دستگاه کبابین هم زراعت وسیعی را درومی‌کند و هم می‌کود و هم تغذیه و هم در کسبه کرده و سر آن را میدوزد و با همین وسیله با وسیله مشابهی تمام کارهای مربوط به شخم و پهنرانشانی را انجام می‌دهد و تقاضای نیرومند و طلبه آزاری را بطور آسان انجام میدهد.

در چنین شرایطی نادیده گرفتن نقش سرمایه گذاری دلیل بر بیگانگی از واقعیتها و با پشت کردن بر رشد اقتصادی است.

اگر تنها در انتظار آن هستیم که خود کشاورزان این همه مسائل را تهیه کنند انتظار بهبودی است و تازه صرف آن همه درآمد برای یک یا چند نفر خود نوعی تمرکز خطرناک است. (ذقت کنید)

دلایل مخالفان

در اینجا عده‌ای ایراد های مختلفی که بی شباهت به بهانه گیری نیست مطرح میکنند.

از جمله دو ایراد زیر است:

۱- می‌گویند این کار با ربا خواری چه تفاوت دارد؟

در حالی که تفاوت میان آن و ربا خواری بسیار روشن است، ربا خواری همیشه سود معینی را بطور مطلق دریافت میدارد در حالی که صاحبان ابزار و سرمایه در مزارعه هرگز سود معینی را دریافت نمی‌دارند بلکه گاهی ممکن است اصل پولی را که خرج کرده‌اند نیز از میان ببرد، مثلاً کشاورزی دچار آفت شود یا محصول در بازار با تقاضای قابل ملاحظه‌ای روبرو نشود.

بنابراین، سرمایه در این گونه معاملات همیشه مواجه با خطرات و همین استقبال از خطر سبب شده که به هنگام سودآوری سهمی از آن را بخود اختصاص بدهد، در حالی که ربا چنین نیست.

۲- می‌گویند قبول چنین قرارداد و معامله‌ای، جامعه دوقطبی می‌سازد، و نفوذ الیزم را تقویت میکند.

ولی ما بارها گفته‌ایم باید میان «ایرادات ذاتی» به یک قانون و اشکالاتی که از «بد عمل کردن» ناشی

لطفاً ورق بربید

شرکت کار و سرمایه در طریق

رابطه ارباب ورعیّت شونده و این موضوع کاملاً عملی است.

واقعت این است که گروهی هنگامی که سخن از مزارعه به میان می آید به خاطر ندای معانی موجود، فوراً بساز وضع سابق ارباب ورعیّتی و مظالم اربابان و مظلومیت رعایا می افتند، و تمام خاطرات اشغالگری خود را روی این مفهوم می ریزند و فکر می کنند برآشی آنچه عمل میشده است قانون اسلامی مزارعه بوده است.

درحالی که همان گونه که گفته شد این طرز عمل بکلیت سواستفاده از این قانون اسلامی و مسخ و تحریف آن بوده که چهار مفید و سازنده اش را گرفته و شکل مخرب و غیر انسانی به آن داده است.



آنچه درباره مزارعه (سرمایه گذاری در تولید زراعی) گفته شد در مورد سرمایه گذاری در پیشه های انسانی و مطالبات صنعتی و آموزشی تجاری (مشاربه) نیز از نظر فلسفه و ایراد و جواب عیناً صادق است و نیاز تکرار ندارد.

میشود کاملاً فرق گذاشت، چه بسیار قوانینی که ذاتاً مفید و سازنده میشوند اما هنگامی که بدعمل شوند زیانبار و مخرب و موجب عتباتند می گردند.

اگر قرارداد مزارعه، بصورت عادلانه و صحیحی که در بالا گفته شد تنظیم شود (حکومت اسلامی می تواند بر نحوه تنظیم این قراردادها نظارت داشته باشد) علاوه بر اینکه زمینه کار را افزایش میدهد، و عاملی برای ازمیسان بردن بیکاری در جامعه است، سبب افزایش تولیدات کشاورزی و رسیدن جامعه به حد خود کفائی و بالاتر از آن می گردد و سرمایه های را که را تبدیل به سرمایه های فعال می سازد.

وظیفه حکومت آن است که آن چند ان نظارت دقیق بر این گونه قراردادها کند که نه جامعه دو-قطبی به وجود آید و نه انگیزه های حرکت اقتصادی خاموش شود و نه رابطه صاحبان ابزار، و کشاورزان

باید آوری لازم

بر این موضوع خاص کاغذ و نوسان آن و لزوم استفاده از فرآورده های داخلی، بناچار در بین انواع کاغذ از جنس ضعیفتر (۸۰ گرمی) انتخاب کنیم و برای صرف آن این ربان محبوبه ششم هشت صفحه از صفحات مطبوعه بکاریم. اما بخواهست خدا کوشش خواهیم کرد مقالات را فشرده تر کنیم تا از محتوی کافی نشود. - دفتر مجله -